

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

# **بررسی تحلیلی انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی**

تهیه‌کننده: حمید جاودانی

سال ۱۳۸۸

دستورالعمل یاد شده، که حاصل تلاشی جمعی از همکاران حوزه ستادی است، با دقت مطالعه شد. اگرچه همکاران محترم تدوین کننده تلاش بسزایی داشته اند که دستورالعمل جامع و کاملی را تهیه کنند، که خودجای تقدیر دارد، اما به نظر می رسد رویکرد حاکم بر این دستورالعمل، از یک سو، از لحاظ نظری چندان با رویکردهای مدیریتی نهادهای علمی به ویژه دانشگاهها، و از سوی دیگر، از نظر عمی با فضای برنامه چهارم توسعه و به ویژه قانون «اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مصوب ۸۱/۸/۱۲ مجلس شورای اسلامی همسویی ندارد.

اگرچه بررسی تطبیقی نظری و عملی این دستورالعمل با مفاهیم نظری، برنامه چهارم توسعه [بخش آموزش عالی] و قانون یاد شده وزارت نیازمند صرف وقت و تأمل بیشتری است که با توجه به فرصت اندک در نظر گرفته، در حال حاضر امکان پذیر نمی باشد، اما به طور خلاصه می توان گفت که اساساً از لحاظ نظری، دانشگاهها، اگرچه موظف به رعایت سیاست ها و برنامه های ملی هستند، اما به موجب ادبیات موجود، کارآیی و اثربخشی دانشگاه منوط به حفظ استقلال در ابعاد زیر است:

• استقلال بنیادی یا ذاتی (Substantive autonomy)

• استقلال نظام نامه ای (Procedural autonomy)

به این ترتیب، آن چه که می توان از استقلال دانشگاه برداشت کرد، بیشتر به مرزبندی میان دانشگاه به مثابه یک خرده سیستم در قبال سیستم های فراگیرتر نظیر جامعه و حکومت است که گاه به عنوان رکن چهارم و یا جمهوری اندیشمندان از آن یاد می شود. استقلال در این رابطه به مفهوم عدم وابستگی به ارکان دولتی، از جمله وزارت متبوع است و نوعی خودگردانی اداری (Self – admimistration) می باشد که ابعاد گوناگونی را در بر می گیرد. صاحب نظران آموزش عالی این عوامل را چنین برشمرده اند:

• رهایی از مداخلات غیرعلمی در دیریت مؤسسه؛

• آزادی عمل در استخدام و تعیین شرایط کار؛

• آزادی عمل در پذیرش دانشجویان؛

• آزادی در طراحی و ارائه برنامه های درسی؛

## • آزادی در تدوین معیارها و تعیین روش ارزیابی.

شاید چنین به نظر برسد که باتوجه به شرایط کنونی دانشگاههای کشور، اعمال تمامی موارد یادشده، به دلیل حاکمیت نظام متمرکز گذشته و در نتیجه عدم آمادگی دانشگاهیان، به صورت ناگهانی و شتاب زده امکان پذیر نیست. اما نباید از نظر دور داشت، که دست کم، اجرای آنها نیازمند تعریف «مرحله ذر» است. اما به هر حال، همان گونه که ملاحظه می شود این مفاهیم، با رویکرد حاکم بر دستورالعمل تدوین شده هیچگونه همسویی ندارد.

وانگهی، همان گونه که یادآور شدیم این دستورالعمل، با قانون جدید وزرت نیز ناهمگونی بسیاری دارد که به اختصار به چند نمونه آن اشاره می شود:

• در بند «ج» قانون یادشده آمده است: «حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاهها، مراکز علمی و تحقیقاتی» از جمله اهداف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور است.

• به علاوه وزارت متبوع مکلف شده است «تا شش ماه پس از تصویب این قانون دستورالعمل مربوط به «انتخاب رؤسای دانشگاهها و مؤسسه های آموزش عالی و تحقیقاتی» را با رعایت مشارکت هیأت علمی این مرکز را تهیه کند و به تصویب شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری برساند، که به نظر نمی رسد فرایند ترسیم شده در دستورالعمل تدوین شده با رعایت این مفاد باشد.

صرف نظر از موارد یادشده، اساساً به نظر نمی رسد، فرایند پیچیده تدوین شده، که نمایه آن در صفحه ۹ دستورالعمل ترسیم شده است، حتی در سطح ستادی نیز قابل اجرا باشد. زیرا، از یک سو، انجام چنین فرایندی خود نیازمند ایجاد سازمانی دیوان سالار است که بتواند، به پایش (Monitoring)، اجرا (acting)، و ارزیابی (evaluating) بپردازد، و از سوی دیگر، چنین سازمانی رانت هایی ایجاد می کند، که در بلند مدت می تواند، شایسته گزینی را به «رابطه گزینی» تبدیل کند. صرف نظر از این که اساساً چنین نظامات دیوان سالارانه ای، در سازمان ها منسوخ شده است تجربه «مرکز مدیریت دولتی» که بیش از دو دهه در کشور به فعالیت مشغول بود، و در نهایت به فروپاشی آن انجامید، می تواند چراغ راه ترسیم کنندگان چنین فرایندی باشد. لازم به توضیح نیست که ، مرکز یادشده، بانک

اطلاعات مدیران را نیز طراحی و به مرحله اجرا گذاشته بود، که در نهایت، نه تنها چنین بانکی نتوانست مورد استفاده قرار گیرد، بلکه خود به مسئله مشکل زایی نیز بدل شده بود. به علاوه نظارت بر شورایی که چنین وظایف مهم و کلیدی را برعهده دارد، نیازمند ایجاد رده سازمانی دیگری است، که در مجموع جز بر سطوح رده بندی سازمانی و احتمالاً ایجاد فساد اداری نمی انجامد.

### جمع بندی و نتیجه گیری:

آن چه که لازم است در تدوین، دستورالعمل‌هایی از دست مورد توجه قرار گیرد به اختصار عبارتند از:

- مبنا قراردادن رویکرد علمی و بهره گیری از دستاوردهای علم سازماندهی و مدیریت؛
- مورد نظر قراردادن تفاوت های سازمانی به ویژه سازمان هایی با کارویژه علمی؛
- توجه کردن به مفاد برنامه ها، قوانین و مقررات ملی؛
- تأکید بر استقلال دانشگاه ها و آزادی علمی، به مثابه اصول اولیه مورد نیاز نهادهای علمی؛
- بهره گیری از تجربیات ملی؛
- توجه به وظایف بخشی به ویژه قانون «اهداف، وظایف و تشکیلات» وزارت متبوع؛
- بهره گیری از تجربه های بین المللی در سازماندهی نهادهای علمی؛
- کوشش در جهت کاهش رده های دیوان سالاری سازمانی به منظور افزایش سرعت و کارایی سازمانی و ...

تدوین اصول راهنما، برای تدوین چنین دستورالعمل هایی می تواند موجب تسهیل و افزایش دقت همکاران محترم شود.

با احترام

حمید جاودانی

عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و

برنامه ریزی آموزش عالی

۸۵/۵/۱

